



## بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با جوانان نخبه - 21 / بهمن / 1382

بسم الله الرحمن الرحيم

جوانان عزیز؛ خیلی خوش آمدید. عید سعید غدیر را به شما تبریک عرض می‌کنم. این را بدانید که عید ما با دیدن امثال شما جوانان خوب و با استعداد کشورمان، شیرینتر و دلپذیرتر می‌شود. من این را برای خودم و برای کشور به فال نیک می‌گیرم که در روز عید غدیر - که روز بسیار بزرگ و مهمی در تاریخ اسلام است - با شما جوانان ارزشمند دیدار می‌کنم. ان شاءالله موفق باشید. حال ما آماده هستیم که برنامه را همان طور که ترتیب داده اید، شروع کنید و ادامه دهید.

x x x

برای من جلسه با جوانان نخبه بسیار جلسه جذابی است. همچنین سخنانی که ابراز می‌کنند برایم جذابیت دارد. البته نه به این معنا که هرچه گفته می‌شود، لزوماً نظر من بر همان مطلبی است که گوینده می‌گوید؛ نه، ممکن است با هم در جاهایی اختلاف نظر داشته باشیم و شما مطلبی بگویید که من قبول نداشته باشم؛ لیکن از این جهت که من احساس می‌کنم روح مطالبه و خواستن و تصمیم‌گیری برای حرکت و به پیش رفتن در جوانان ما روزبه روز بحمدالله زنده تر می‌شود، خوشحالم. راز همه پیشرفته‌ها همین است و این در حال تحقق یافتن است. در زمینه‌های دیگر تجربه کردیم و دیدیم که هر جا جوانان ما خواستند و همت گماشتند، به هدف رسیدند و رسیدیم. آنچه من با نخبگان علمی در این چند سال اخیر مطرح کردم، این است که همین همت گماشتن و خواستن و عزم استوار کردن بر مقصود، در زمینه علم هم تحقق پیدا کند. این، حرفی است که من چند سال است با همه جوانان، دانشجویان و همه اساتید - هر وقت که با آنها ملاقات می‌کنم یا پیغامی به آنها می‌دهم - در میان می‌گذارم و از آنها می‌خواهم و می‌بینم که این کار می‌شود.

مطالبی که شما دوستان گفتید، حاوی نکات خوبی است. البته بعضی از اینها سیاستگذاریهای کلان لازم دارد و مورد توجه هم بوده، لیکن سیاستگذاران دستگاههای کشور بایستی اعتقاد پیدا کنند و همت بگمارند؛ شدنی است. از جمله، مسأله تغییر بنای آموزش بر مبنای پژوهش - که گفته شد - حرف درستی است. این موضوع را قبلاً هم در جلسه بزرگی از قبیل همین جلسه به من گفته اند، با این تفاوت که شرکت کنندگان آن جلسه غالباً اساتید قدیمی و مجرب دانشگاهها بودند. در آن جا هم يك استاد کاملاً مورد اعتماد، همین مطلب را بیان کرد. روی این کار تأکید شده که انجام شود؛ منتها شما می‌دانید که این طور کارهای بنیانی، زمان می‌طلبد. به هر حال فکر، فکر کاملاً درستی است و باید دنبال کرد. نکته جدیدی که در این جلسه چند نفر از شما تکرار کردید، همان مسأله سازمان نخبگان علمی کشور یا مرکز ویژه ای برای امور نخبگان است، که این دوست عزیزمان هم در پایان کار درباره آن بیشتر توضیح دادند. البته در این که چنین جمعی را خود نخبگان باید اداره کنند، تردیدی نیست؛ یعنی تا کسی خودش با مسائل ذهنی و علمی و عملی مربوط به يك جمع نخبه آشنایی و دلبستگی نداشته باشد، نمی‌تواند کار کند؛ اما سخن در این نیست که چه کسانی آن را اداره می‌کنند - هر جای کشور که مربوط به نخبگان باشد، آنها آن جا را بهتر اداره می‌کنند - این کار، کار دولت است و ناگزیر بایستی دولت زیر بار این کار برود؛ فکر خوبی است؛ منتها وقتی دولت مسؤول کاری می‌شود، اداره این مجموعه را باید به کسانی واگذار کند که حقیقتاً شایسته باشند. البته باید سعی شود که این مرکز در دستگاههای اداری حل نشود و دستگاهی در کنار دستگاههای دیگر و با مشکلات برخی از آنها به وجود نیاید؛ بخصوص رگه های سیاسی و سیاسی کاری و سیاست بازی اصلاً نباید در این مجموعه کارها بیاید و من به شما تأکید می‌کنم مراقب باشید که در آن منطقه ای که کار علمی هست، اصلاً رگه مسائل سیاسی وارد نشود. معنای این حرف این نیست که يك نخبه علمی نباید سیاسی باشد؛ چرا، ما معتقدیم که مردان



خدا و مردان معنوی هم باید سیاسی باشند و در میدان سیاست فعالیت کنند؛ اما این بدان معنا نیست که انسان در آن جمع علمی، پژوهشی، صنعتی و کاری - هر نوع کاری - گرایشها و تمایلات سیاسی را تأثیرگذار و تعیین کننده قرار دهد؛ این قطعاً کار را خراب می کند. به نظر من يك علت این که بعضی از دستگاههای مسؤول ما به همین مطالبی که شما می گویند، نرسیده اند - در حالی که وظیفه شان بوده و بارها هم به آنها تأکید شده - همین است که در آن مجموعه ها کسانی به سمت کارهای سیاسی کشیده می شدند و انگیزه های سیاسی را در کارها دخیل می کردند؛ لذا کارها لنگ می ماند. کارهای کلانی که مجموعه مدیریتی می تواند تصمیم گیری کند، به عهده خود وزارت است و اصلاً خیلی از کارهای مربوط به این موضوع به مصوبه دولت یا به قانون احتیاج ندارد؛ یعنی خود وزیر در حیطه اختیاراتش می تواند تصمیم گیری کند. اگر می بینیم نشده، اشکال و عیبی در این جاست که من آن را در بعضی از دستگاههای مسؤول و مرتبط با این مسائل دیده ام و آن همان وجود بعضی از گرایشهای سیاسی است که مانع کار شده است.

مطالب دیگری هم گفتید که برخی از مهمترین موارد آنها را یادداشت کردم و امیدوارم که به آنها رسیدگی شود. من معمولاً این یادداشتها را دنبال می کنم؛ نباید تصور کنید که اینها دنبال نمی شود؛ چرا، دنبال می شود؛ اثر هم می گذارد و شما هم اثرش را در خیلی از دستگاههای گوناگون و خیلی از کارهایی که جدیداً انجام گرفته - کارهای علمی، پژوهشی و بعضی از پردازشهای لازم در برخی از سیاستهای علمی و پژوهشی - مشاهده می کنید. این تأثیرگذاری به خاطر همین دنبال گیریهایی است که آنها نیز از حرفهای جلساتی نظیر این جلسه ناشی شده است. بنابراین، این جلسات به نظر من جلسات مبارکی است و برکاتی دارد و ان شاءالله دنبال می شود؛ این هم دنبال خواهد شد.

عزیزان من! آن چه من به شما می خواهم عرض کنم، این است: شما کسانی هستید که در این صحنه - که مورد اهتمام ماست - بایستی مثل يك سرباز در میدان جنگ انگیزه داشته باشید و کار کنید. این، لبّ قضیه است. ما نمی خواهیم چیزی را به کسی تحمیل کنیم و این کار مثل سربازگیری اجباری دوران جنگ نیست. در این جا نخبه علمی در میدان پرورش، پیشرفت و تولید علم بایستی مثل يك سرباز کار کند؛ اگر هم نکرد، کسی یقه او را نخواهد گرفت؛ لیکن يك روز یقه همه ملت و کشور را مشکلات اساسی و بزرگی خواهد گرفت که ما در کشورمان تجربه کردیم. حرف من به طور کلی همین است که اگر علم به يك دلیل تاریخی - که آن دلیل تاریخی را هم فکر می کنیم کاملاً می شناسیم - در انحصار مجموعه ای از ملتها و بخشی از مردم دنیا قرار گیرد و اینها علم را انحصاری نگهدارند و تبعیض قائل شوند و علم را به ملتهای دیگر بفروشند و آن را وسیله ای برای تحمیل سیاستهای خودشان قرار دهند - که استعمار اصلاً از همین نقطه به وجود آمد - این، ظلم بزرگ به بشریت است. علم باید مثل ثروت، عادلانه توزیع شود. نظر اسلام هم همین است که علم باید بین همه کشورها و ملتها توزیع شود. این که ما این فناوری را نبایستی به مردم آسیا یا جاهای دیگر بدهیم، همان طلبیدن انحصار فناوری است که وقتی در اقتصاد پیش می آید، کارتلهای عظیم اقتصادی به وجود می آید و آنها به انسانها ظلم می کنند؛ وقتی در سیاست پیش می آید، انحصارگریهای جهانی پیش می آید و این جنگها را پیش می آورد. ما می خواهیم با این انحصارگرایی مبارزه کنیم و مبارزه و همت ما هم به این است که خودمان سعی کنیم از این چاه و منبع عظیم و غنی ای که در میان کشور و در نیروی انسانی خودمان داریم، بهره برداری و استفاده نماییم. این کار را همه ملتها می توانند بکنند و ملتی که استعداد بیشتری دارد، بیشتر می تواند در این زمینه کار کند. البته مانع و مشکل ایجاد می کنند؛ باید با این مانع و موانعی که به طور قهری وجود دارد، مبارزه کرد.

من شنیده ام که در برخی از محافل سیاسی حسّاس دنیا گفته شده که ما نخواهیم گذاشت يك ژاپن اسلامی در این منطقه به وجود آید! آن ژاپن اسلامی، شما هستید. این حرف بیخود هم گفته نشده است؛ به خاطر این که کشور ما



بر حسب آمار از لحاظ - به قول رایج معروف - نرخ سرعت رشد علمی و تحقیقی، در برهه ای از زمان و در همین چند ساله، بالاترین نرخ رشد را در دنیا داشته است. البته آنچه که در قدر مطلق و موجودی ماست، نشان دهنده این است که با پیشرفتهای دنیا هنوز خیلی فاصله داریم؛ اما فاصله بسیار زیادتز بوده و ما توانسته ایم این فاصله را با سرعت بالا کم کنیم. این موضوع در کشور ما در همین ده، پانزده سال اخیر اتفاق افتاده است. البته امروز قدرمطلقهای ما نسبت به گذشته خیلی تفاوت دارد.

بنده از آمار مقاله های علمی منتشر شده در مجلات معتبر دنیا اطلاع داشتم؛ اما این کار - تولید مقاله و نشر آن در دنیا - کار مهم و درجه یک نیست و با انجام آن، همه کار صورت نگرفته، بلکه باید این فکر در این جا پخته، تولید و اجرایی شود و به مرحله عمل درآید، تا بشود گفت پیشرفت حاصل شده است. البته در همین زمینه ها هم خیلی کار در کشور صورت گرفته است و ما حرکت کرده و به راه افتاده ایم.

یکی از مهمترین قسمتهای یک حرکت، «شروع حرکت» است که ما این قسمت را شروع کرده ایم؛ یعنی آن قدرت بالایی که متکفل شروع و راه اندازی است، این حرکت را به برکت انقلاب و نظام اسلامی سرمایه گذاری کرده است. شما این را بدانید که اگر این کشور به برکت انقلاب، کار رهاسازی نیروها و توانها را به خود نمی دید و بنا بود که مثل همان چه که در خیلی از کشورها هست، در این نظام نیز وجود داشته باشد، مطلقاً چنین پدیده عظیمی در کشور ما به وجود نمی آمد. البته ما فقط راه افتاده ایم؛ این خیلی مهم است؛ منتها باید این راه را برویم. همه حرف من در این چند سال همین است که می گویم باید این حرکت انجام گیرد؛ کننده کار هم صاحبان استعداد هستند. البته مسؤولان و وظایف بسیار مهم و لازمی را بر عهده دارند؛ در این هیچ تردیدی نیست. گاهی تخلفاتی هم می شود؛ بخشی هم عمل می شود؛ با این همه ما برای برطرف کردن این مسائل تلاش می کنیم. شما این را بدانید که بنده به صرف این که بگویم نهضت نرم افزاری راه بیفتد، اکتفا نکرده ام. یک نهضت - نهضت به معنای جنبش و حرکت و حضور مبارزه گر - که با گفتن و دستور و فرمان راه نمی افتد، بلکه باید زمینه هایش فراهم شود. من می گویم این نهضت نرم افزاری راه افتاده است؛ چرا که امروز خود آن تبدیل به گفتمان و فکر رایج شده است. این خیلی اهمیت دارد. خیلیها به این که ما می توانیم و باید علم را به وجود آوریم و مرزهای آن را بشکنیم و جلو برویم، اصلاً توجه نداشتند. همین مطلب که بعضی از دوستان گفتید، درست است؛ حافظ بودن کافی نیست؛ بعضیها اکتفا می کردند به این که دانسته های دیگران را حفظ کنند؛ اما امروز این میل، عزم و احساس در خیلی از جوانان، اساتید و نخبگان ما به وجود آمده که باید علم را تولید کرد. من هم همین را اصرار دارم و دنبال می کنم؛ کننده کارش هم شما - مجموعه کسانی که اهل علمند و بخشی از آنها شما نخبگان هستید که الان این جا تشریف دارید - هستید. باید همت کنید؛ نباید دلسرد شوید؛ همچنان که این برادرمان گفتند: «ما هستیم و خواهیم بود»؛ باید هم باشید؛ باید هم بکنید؛ وظیفه تاریخی ما و شماست. سرنوشت آینده این کشور به همین تصمیمی که امروز ما خواهیم گرفت و عملی خواهیم کرد، بستگی دارد.

البته این برادر و جوان عزیزمان راجع به ارتباط با حضرت بقیةالله ارواحنا فداه مطلبی را بیان کردند. بزرگی می گفت کسی به من مراجعه کرده و پرسیده چه کار کنم که خدمت حضرت برسم؟ ایشان گفت من به او گفتم شما اگر به واجبات عمل و از محرّمات اجتناب کنید و کمی مراقب خودتان باشید، حضرت پیش شما می آیند؛ شما لازم نیست زحمت بکشید و پیش حضرت بروید. راهی که برای انتفاع از آن بزرگوار پیش پای ما گذاشته اند، راه تهذیب نفس است، راه مخصوصی نیست؛ همان راهی است که برای تکامل نفس، برای آدم خوب شدن، برای نورانی شدن دل انسان و انعکاس جلوه جمال الهی در آن جلو پای انسان گذاشته اند. خصوصاً شما که جوانید و دلهایتان پاک است، آمادگی دارید و برایتان خیلی آسانتر است. حال شما خیال می کنید که ما در این جا راه ویژه ای برای رسیدن به خدمت حضرت داریم؛ نه، وضع شما از این لحاظ از من بهتر است؛ چون شما دلهای پاک و صافی دارید؛ پایبندیها و



دلبستگی‌هایتان کمتر است و خیلی راحت تر می‌توانید ارتباط برقرار کنید. این ارتباط برقرار کردنها هم با صفای نفس کاملاً میسر و آسان خواهد شد. صفای نفس هم با همین عمل به واجبات، اجتناب از گناهان، آلوده نکردن خود، آلوده نشدن و مراقبت به دست می‌آید. البته کسی معصوم نخواهد شد که هیچ خطایی از او سر نزند؛ اما اگر مراقب باشیم، لغزش‌هایمان کم خواهد شد و اگر يك وقت هم لغزشی پیدا کنیم، با مغز به زمین نمی‌خوریم؛ این خاصیت مراقبت است. اسم این مراقبت در فرهنگ اسلامی چیست؟ تقوا. وقتی می‌گویند باتقوا باشید، یعنی مراقب باشید؛ مراقب کار خودتان باشید؛ مواظب باشید چه می‌گویید و چه تصمیمی می‌گیرید و چه عملی می‌کنید. این مراقبت موجب می‌شود که انسان نلغزد و اگر لغزید، خیلی صدمه نخورد.

یکی از برادران راجع به درصد بودجه پژوهش، گفتند که يك و نیم درصد بودجه قرار بوده برای کارهای پژوهشی گذاشته شود که چهار دهم درصد شده است. البته این آمار کاملاً غیر از آماری است که در آخرین جلسه ای که داشتیم - به نظر آخرین جلسه یا جلسه با هیأت دولت بود و یا یکی از جلسه های رسمی در يك ماه اخیر - مطرح شد. آماری که در آن جلسه، مسؤولان و یا فکر می‌کنم خود آقای رئیس جمهور درباره سهم بودجه پژوهش به من گفتند با آنچه که الان از این برادرمان شنیدم، کاملاً تفاوت دارد. من ان شاءالله این را در ذهنم نگه می‌دارم و بیشتر درباره اش تحقیق می‌کنم. آنچه که به من گفته شد این است که بودجه پژوهش از چند سال قبل خیلی بیشتر شده؛ به نظر دو یا سه برابر شده است.

من چند ماه قبل دیداری از دانشگاه شهید بهشتی داشتم - که شاید بعضی از شما از آن دانشگاه باشید - و مراکز پژوهشی آن جا را دیدم که خیلی برایم جالب بود. بعد هیأتی را معین کردم که آنها با یکایک زبندگان و نخبگانی که من از پژوهشگاه‌هایشان بازدید و با آنها صحبت کرده بودم، صحبت کردند و خصوصیات مورد نظرشان را از آنها پرسیدند؛ رویش بحث کردند و آن موارد را به جریان انداختند که کار اجرایی شود؛ یعنی دوست داریم که این کارها اجرایی شود و ان شاءالله هم خواهد شد.

بنده با بعضی از این مجموعه‌هایی که دوستان اسم آوردید - مثل باشگاه دانش پژوهان جوان - آشنا هستم. آنها تا به حال چند نامه به من نوشته اند که من هم پاسخ داده‌ام.

یکی از برادران مثال گلخانه را زدند که مثال درستی نیست. فضای عمومی کشور بایستی فضای ترویج، تولید، گسترش و تحقیق علم و پرورش عالِم و محقق باشد. وقتی فضای عمومی این طور شد، معنایش این نیست که لزوماً در همه خانه‌ها یا در هر نقطه ای از جامعه بایستی علم به وجود آید؛ نه، بلکه علم لازم است در نقطه مناسب خودش به وجود آید. فضا، فضای علمی خواهد بود؛ فضای تحقیقی خواهد بود؛ منتها بدیهی است که وقتی فضای علمی در کشور به وجود آید، این علم و تحقیق در نقطه مناسب و متناسب رشد خواهد کرد؛ مثلاً در دانشگاهها، پژوهشگاهها و از این قبیل مراکز. بنابراین بحث گلخانه سازی و فضای گلخانه ای درست کردن اصلاً وجود ندارد. گلخانه به درد این می‌خورد که يك چیز زینتی درست کنند که وقتی گلی بیرون آمد، چند ساعتی - بیست و چهار یا چهل و هشت ساعت - روی میزی بماند؛ والا آن گل دیگر به درد نمی‌خورد. فضا باید فضایی باشد که بشود این محصول را حفظ کرد و از آن بهره برد.

بار دیگر به شما که از دوستان عزیز و برادران و خواهران و فرزندان من هستید و من به همه شما علاقه دارم و به همه تان دعا می‌کنم و امیدوارم که موفق باشید، این عید سعید و همچنین بیست و دوم بهمن را تبریک عرض می‌کنم. از خداوند متعال می‌خواهم که به شما توفیق دهد که بتوانید آن وظیفه سنگینی را که امروز بر عهده نخبگان کشور ما هست - که بحمدالله از استعدادهای بالایی هم برخوردارند - ان شاءالله انجام دهید.

والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته